

شهادت حضرت زهرا(س) زمینه وحدت یا تفرقه؟

بسیاری تصور می کنند که شهادت حضرت زهرا(س) زمینه ای برای ایجاد تفرقه خواهد بود، اما ما در این گفت و گو نگاه متفاوتی را دنبال کردیم.



بسیاری تصور می کنند که شهادت حضرت زهرا(س) زمینه ای برای ایجاد تفرقه خواهد بود، اما ما در این گفت و گو نگاه متفاوتی را دنبال کردیم.

نگاهی که در آن دکتر مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی معتقد است حضرت زهرا می تواند بستر وحدت در جامعه اسلامی باشد. درباره این افق تازه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد مبلغی، مدیر مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی و رئیس پیشین پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت و گو کردیم. گفت و گوی خبرآنلاین با وی را می خوانید.

*** بسیاری از افراد معتقدند که شهادت حضرت زهرا(س) سندی بر مظلومیت این بانوی بزرگ است و از این رو با برجسته کردن شهادت ایشان به جدایی شیعه و سنی دامن می زنند؛ از سوی دیگر مشاهده می شود که امام علی(ع) و امامان معصوم(ع) همواره بر وحدت در جامعه اسلامی تاکید داشتند؛ سوال این است که آیا در این موضوع می توان به گونه ای عمل کرد که موجب وحدت میان امت اسلام شود؟ و آیا حضرت فاطمه زهرا(س) عامل وحدت میان شیعه و اهل سنت است؟**

در میان معصومان(ع) هیچ شخصیتی را نداریم که سیره و رفتار آن ها در جهت ایجاد تفرقه بین جامعه اسلامی باشد. یعنی از فاطمه زهرا(س) گرفته تا دیگر امامان معصوم(ع)، همگی سیره ای را داشتند که می تواند عامل و مبنای وحدت در جامعه اسلامی باشد. البته امامان معصوم(ع) و نیز فاطمه زهرا(س) دو رفتار همزمان را در پیش داشتند؛ یکی در پیش گرفتن رفتار، و بیان سخنانی که ارائه راهی را حمل می کرد که به شیعه گری می انجامید و دیگر این که سلوک و رفتاری که در عین ترسیم کردن راه شیعی که راه خود اهل بیت(ع) است، به شدت هر چه تمام تر حافظ چارچوب های وحدت در جامعه اسلامی و کیان امت اسلامی بودند. ما این دو محور را باید در کنار هم ببینیم؛ چرا که کنار گذاشتن یکی به این معناست که اهل بیت(ع) را به درستی نشناخته ایم. شخصیتی چون حضرت فاطمه زهرا(س) هم وقتی که سیره رفتاری شان، تبیین و تحلیل شود، ما را به همین نقطه می رساند که این بزرگ بانوی جهان اسلام، در عین این که می کوشید، که امام علی ابن ابی طالب(ع) را به عنوان مبنای حق و امام جامعه معرفی کند، اما خطوط قرمزی را هم ارائه و رعایت می کرد، که این خطوط قرمز عبور از مصالح جامعه اسلامی نباشد و امت اسلامی را واژگون نکند.

*** ممکن است مثالی برای سخن تان بیان کنید؟**

یکی از قرائن و شواهد بر این حقیقت، این است که همه می دانند، امام علی ابن ابی طالب(ع)، در جامعه آن روز نقش مهمی را برای حفظ و تقویت آن جامعه اسلامی ایفاء کرد؛ چنان که گاهی با سکوت خود، گاهی با رفتن در درون جامعه و گاهی با مشورت دادن به آن جامعه و بودن در متن آن، این هدف را دنبال می کرد؛ این امر مسلمی است که همه آن را قبول دارند؛ اگر این را پذیرفتید؛ یا باید بپذیرید که حضرت فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) دو رفتار متضاد با هم داشتند و دو جریان متضاد بودند که این سخن غلط است و غلط بودنش روشن است و معاذالله که ما بیاییم و این دو را مخالف هم ببینیم، و یا باید بپذیریم که این دو بزرگوار بر اساس پیچیدگی های زمان، تقسیم کاری را انجام داده بودند و رفتار یکی مکمل رفتار دیگری است که این درست است؛ خوب اگر این طور باشد، بنابراین آن راهی که امام علی(ع) برای حفظ و تقویت جامعه در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب فاطمه زهرا(ص) بود و آن چه را هم که حضرت فاطمه زهرا(س) در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب امام علی(ع) بود.

*** امام علی(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) چه روش هایی را برای اهداف خود در پیش می گرفتند؟**

این دو با هم به دنبال آن بودند که هم اصالت اهل بیت(ع) و راه اهل بیت(ع) را به اثبات رسانده و تبیین کنند و هم به دنبال این بودند که جامعه اسلامی متلاشی نشود و به وضعیت خطرناک و در حال از بین رفتن قرار نگیرد؛ این رفتار این دو بود؛ اما روش ها این بود که بیان حق را به صورت ظریف پی می گرفتند و خواهان وحدت جامعه اسلامی بودند.

*** وظیفه ما به عنوان شیعیان و کسانی که خود را پیرو مکتب تشیع می دانیم در برابر رفتار امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) چیست؟**

امروزه ما نیز نباید از این خطوط قرمز تبیین شده از سوی اهل بیت(ع) در ارتباط با جامعه اسلامی عبور کنیم؛ همانطور که نباید دست از شیعه گری که اصالت را به اهل بیت(ع) می دهد دست بکشیم؛ این می طلبد که ما فاطمه زهرا(س) را به عنوان مبنای وحدت جامعه اسلامی معرفی کنیم؛ امروزه نزدیک شدن شیعه به سنی و سنی به شیعه، راهی است که فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) می خواستند؛ امروز اگر اسلام ضربه ای بخورد شیعه هم ضربه می خورد و مذاهب دیگر هم ضربه می خورند. اسلام یک چارچوب کلانی است که به صورت قطع و بدون هیچ شک و ریبی باید ایجاد و حفظ شود و نباید نزدیک رفتارهایی رفت که این چارچوب، اصل و فضای کلی اسلام را از بین ببرد؛ شیعه گری درون این چارچوب معنا پیدا می کند و البته ما در ارتباط با برادران اهل سنت، می توانیم مباحث اختلافی مان را به شکل علمی و فقط و فقط در فضای علمی دنبال کنیم ولی هر دو طرف مان باید

اتفاق نظر بر حفظ جامعه اسلامی داشته باشیم.

*** برخی چگونگی شهادت حضرت زهرا(س) را دست آویزی برای دامن زدن به جدایی و تفرقه میان شیعه و سنی کرده اند؛ نظر شما در این باره چیست؟**

به نظر می رسد که اگر دو اصل کلی را همواره در نظر داشته باشیم، مشکلات اینچنینی به خودی خود حل خواهد شد. اول این که ما امروز نباید کاری کنیم که وحدت در جامعه اسلامی از بین رفته و به نابودی اسلام بیانجامد، چرا که وحدت، راه حفظ اسلام می باشد و باید این را با تمام قدرت و بی هیچ کم و کاست حفظ کرد و دانست که این راه حضرت فاطمه زهرا(س)، امام علی(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) است، چون خود آن ها هم این را می خواستند؛ دوم این که اگر مسائلی یا وقایعی هست که در تاریخ رخ داده است، باید قالب ارائه آن ها و فضای طرح آن ها به گونه ای باشد که با آن اصل اساسی کوشش برای حفظ اسلام و حفظ امت اسلامی، هماهنگ باشد.

شاید بهترین قالب این است که اگر طرفین خواهان طرح آن هستند، آن را در فضاهای علمی و به صورت آکادمیک بحث کنند؛ بحث علمی، بحث بودن در فضاهای عام نیست، بلکه بحث علمی باید در فضاهای خاص مطرح شود و نباید آن ها را در درون جامعه آورد؛ البته در جامعه شیعی، ما می توانیم جنبه های مربوط به تاریخ را به گونه ای مطرح و پی بگیریم که اصطکاکات و تعصباتی را بر علیه شیعه بر نیانگیزاند و اختلاف ایجاد کند؛ دقیقاً مثل خود اهل بیت(ع) که چگونه با فرزندان مکتب اهل سنت در تماس بودند و امام صادق(ع) در درس شان هزاران اهل سنت شرکت می کردند؛ آن هایی که در درس امام صادق(ع) شرکت می کردند، از اهل سنتی بودند که سخت معتقد به مذهب شان بودند، اما رفتار امام صادق(ع) و یا امام باقر(ع) به گونه ای بود که امکان ارتباط را نه تنها ایجاد می کرد، که شدت ارتباط را در پی داشت.

*** روش امام صادق(ع) در طرح مسائل تاریخی و از جمله مسائل پیرامون شهادت حضرت زهرا(س)، چگونه بود؟**

طرح مسائل تاریخی از سوی امام صادق(ع) در یک فضاهای کنترل شده، حساب شده و غیر منتهی به ایجاد حساسیت صورت می گرفت؛ ما باید تابع اهل بیت(ع) باشیم و این چیزی جز این نیست که هم آن چیزی را که از جانب ما حق است را بیان کرده و بگوییم و هم قالب های کنترل شده و غیر موجد حساسیت و غیر منتهی به تنش در جامعه را در پیش بگیریم؛ بنابراین استدلال عقلی می توان گفت تجربه امام صادق(ع) در این زمینه، یک تجربه عملی، شیرین و واقع شده است. امام صادق(ع) با اهل سنت درگیر نبود، بلکه با خلفای بنی عباس که ظالم بودند و با جامعه اسلامی و رشد آن و حتی با علمای اهل سنت هم درگیر بودند، مخالفت می کردند؛ از این رو ما نباید این دو را یکی بگیریم. امروزه ارتباط با اهل سنت راه امام صادق(ع) و خدمت به فاطمه زهرا(س) و امام علی ابن ابی طالب(ع) است؛ البته این به آن معنا نیست که ما از آن اصالت شیعی خودمان ذره ای کوتاه بیاوریم، بلکه بحث در طرح مسائل و نوع طرح مسائل و نگاه ها و انتخاب راه هایی است که حساسیت ایجاد نکند.

*** تحلیل شما از شخصیت حضرت فاطمه زهرا(س) چیست؟**

در مورد شخصیت حضرت زهرا(س) باید گفت این شخصیت کوثر است و کوثر یعنی خیر کثیر؛ الف و لام که بر سر آن می آید به این معنی است که این خیر کثیر نه فقط در یک زمینه بلکه در زمینه های مختلف است؛ او کانون و منشأ خیر بود؛ همانگونه که حضرت فاطمه زهرا(س) لقب کوثر داشته و به معنای واقعی خیر کثیر بودند، نسل حضرت فاطمه زهرا(س) که اهل بیت عصمت و طهارت هستند نیز، بهترین و پربارترین و پرخیرترین نسل، در طول تاریخ بشریت هستند و آینده بشریت، تحول خود را مرهون این نسل و یکی از فرزندان این نسل که امام زمان(عج) باشد، است. نقشی که حضرت زهرا(س) در ارتباط با تبیین راه اهل بیت(ع) داشتند یک خیر کثیر تمام نشدنی است؛ همچنین نقشی که این بانوی بزرگ جهان اسلام در حفظ کیان امت اسلامی و داشتن یک نگاه ویژه به جامعه اسلامی داشتند، یک نقش پویای ماندگار و بالیده در طول تاریخ است، اگر چه ما برای شناخت این نقش و فقدان تحلیل های درست در باره این شخصیت، در فقر به سر می بریم. زندگانی فاطمه زهرا(س) یک زندگانی پربار و قابل، برای تأثی در زمینه های مختلف است که ما در شناخت ابعاد زندگانی اجتماعی، سیاسی، عبادی، فردی و ... کوتاهی هایی داشتیم و هنوز نتوانستیم تحلیل کافی و کاملی را از این زندگانی به عمل بیاوریم و شاید وقتی بگویند که از حضرت زهرا(س) چه شناختی دارید، عمدتاً به سمت حجاب رفته و یا دو یا سه خصلت دیگر را بیان کرده و در نهایت یک تحلیل کاملی را ارائه نکنیم؛ خود حضرت زهرا(س)، نقش عجیبی را در شناساندن پیامبر اسلام(ص) به جامعه اسلامی و نیز آرامش بخشیدن به پیامبر اسلام(ص) و زمینه های مختلف دیگر داشتند. بنابراین حضرت فاطمه زهرا(س) یک شخصیت نادر و استثنیای تاریخ بشریت است که در باب او سخن گفتن کار سهلی نیست.

*** تعابیر مشهور مختلفی در مورد شخصیت حضرت زهرا(س) بیان شده است؛ برای مثال جمله معروف دکتر علی شریعتی که «فاطمه(س) فاطمه است» این تعابیر را چگونه تحلیل می کنید؟**

کسان بسیاری در باب حضرت فاطمه(س) سخن هایی گفته اند که هر کدام قابل توجه است و یک تعبیر معروف همین تعبیر «فاطمه(س)، فاطمه است» می باشد؛ این سخن بیانگر این است که ما در ارتباط با تعریف این بانوی بزرگ به این نکته می رسیم که بهتر از این عبارت که «فاطمه» باشد، عبارتی را نمی یابیم تا او را تعریف کنیم. چون هر عبارتی را به کار بگیریم احساس می شود که کوتاهی ها و نقص هایی دارد و البته تعبیرهای مختلفی در باب فاطمه زهرا(س) وجود دارد؛ از خود پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) هم عباراتی به کار گرفته شده است، که یکی از آن ها روایتی است که فاطمه زهرا(س) را اسوه امام مهدی(عج) معرفی می کند؛ یعنی امام مهدی(عج) که در آخرالزمان یک اصلاح جهانی و یک تحول جهانی را پی می افکند، مقتدا و اسوه او فاطمه زهرا(س) است. این نشان می دهد که قابلیت های نهفته بسیاری در زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) وجود دارد که به تحلیل درستی همچنان نیامده است، و اهمیت آن ها، آن قدر زیاد است که می تواند مبدأ یک حرکت جهانی

